چرا اصولگرایان به‌دنبال احیای نخست‌وزیری هستند؟

شرق: حسن بیادی، فعال سیاسی اصولگرا، گفته است: اصولگرایان شاید بتوانند با اکثریت افرادی که در مجلس شورای اسلامی دارند قاعده و روش انتخابات را عوض کنند و از شر انتخابات ریاست‌جمهوری خلاص شوند و به چگونگی رسیدن به پست نخست‌وزیری بیندیشند.

او در پاسخ به این پرسش که «علت آنکه شورای هماهنگی اصولگرایان بعد از انتخابات مجلس تاکنون شکل نگرفته، چیست؟»، گفته است چند احتمال وجود دارد، اول اینکه با این اوضاع آشفته و مسائل سیاست جهانی و آشفتگی اقتصادی و اجتماعی هرکسی را شایسته ورود به این صحنه پرریسک نمی‌دانند و ظاهرا بر سر این موضوع با هم کشمکش و دعوا دارند و احتمال دوم اینکه شاید بتوانند با اکثریت افرادی که در مجلس شورای اسلامی دارند، قاعده و روش انتخابات را عوض کنند و از شر انتخابات ریاست‌جمهوری خلاص شوند و به چگونگی رسیدن به پست نخست‌وزیری بیندیشند؛ به همین دلیل شما شاهدید که در ابتدا گفته شد تا مرداد تشکیلاتی برای هماهنگی انتخاباتی شکل می‌گیرد و چندی بعد گفته شد تا شهریور این تشکیلات ایجاد می‌شود اما اکنون که در مهرماه قرار داریم هنوز خبری از چنین تشکیلاتی وجود نداشته است مگر اینکه عده‌ای خاص و قلیل مانند قبل، با تمامیت‌خواهی بخواهند دور از چشم دیگر اصولگرایان تصمیماتی را اتخاذ کنند؛ بنابراین نباید شک کنیم که عدم تشکیل جلسات با قاطبه احزاب و مجموعه‌های سیاسی منتسب به اصولگرایان به فرایند انتخاباتی مجموعه نیروهای اصولگرا همچون گذشته ضربات مهلکی را وارد خواهد کرد و نتیجه مثبتی را در بر نخواهد داشت.

بحث تغییر نظام ریاستی و پارلمانی عمری طولانی دارد اما سرمنشأ بحث‌های اخیر، از سخنرانی رهبری در سفر به کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ شروع شد. رهبری در آن سخنرانی با اشاره به ظرفیت‌های قانونی اساسی جمهوری اسلامی گفتند: «امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوه بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روز در آینده‌های دور یا نزدیک -که احتمالا در آینده‌های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی‌آید- احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلا نظام پارلمانی مطلوب است -مثل این‌که در بعضی از کشورهای دنیا معمول است- هیچ اشکالی ندارد».

چند ماه بعد از سخنان رهبر انقلاب مرحوم هاشمی‌رفسنجانی که همچون رهبر انقلاب هر دو نظام پارلمانی و ریاستی را تجربه کرده بود، با تأکید بر اینکه از سخنان رهبری برداشت اشتباه شده است، گفت: «بحث ایشان این بود که در نظام ما بن‌بست نیست. یعنی کسی نباید فکر کند که بن‌بست داریم و اگر ما حتی بخواهیم نظام اداره کشور را تغییر دهیم، قانون اساسی را اصلاح و تغییر می‌دهیم. اصل نظرشان این بود».

البته رهبری در دیدار با دانشجویان در خرداد سال قبل در پاسخ به

پرسشی مبنی بر اینکه «آیا اشکالات و کمبودهای کنونی ناشی از اشکال ساختار است یا ضعف کارگزاران»، گفتند: ساختار قانون اساسی ساختار خوبی است و اشکالی ندارد، البته در همه کشورها از جمله در کشور ما ساختارها در طول زمان تکمیل و نواقص و خلأهای آنها برطرف می‌شود، همانند اینکه در گذشته مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود نداشت اما امروز وجود دارد. ایشان درباره ایده «نظام پارلمانی» خاطرنشان کردند: این مسائل را در مجمع بازنگری قانون اساسی به تفصیل بحث کردیم و به این نتیجه امروز رسیدیم، چراکه مشکلات نظام پارلمانی برای کشور بیش از مشکلات نظام ریاستی است.

با توجه به سخنان رهبری در سال گذشته کم‌کم بحث تغییر نظام ریاستی به پارلمانی در حال فروکش‌کردن بود که اکنون از ترجیح اصولگرایان برای تن‌دادن به تغییر قانون اساسی برای رهایی از دردسرهای انتخابات ریاست‌جمهوری سخن گفته می‌شود. آنها مجلس‌های قبلی را متهم به کم‌کاری در این زمینه می‌کنند و معتقدند در طول چند سال گذشته فضای کلی مجلس نسبت به احیای نخست‌وزیری بی‌میل نبوده، اما قدمی علمی برنداشته و حالا که اکثریت در بهارستان در اختیار اصولگرایان است باید به دنبال احیای نخست‌وزیری بروند. این درحالی است که مقام معظم رهبری صراحتا مخالفت خود را با این امر بیان کرده‌اند.

کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان نیز در انتقاد از مباحث مدافعان احیای نخست‌وزیری در پاسخ به این پرسش که با توجه به پیش‌بینی قانون اساسی، آیا می‌توان نظام پارلمانی را در کشور مستقر کرد، اظهار کرده است: تغییر ساختارها کمک زیادی به کشور نمی‌کند. سؤال مطرح‌شده این است که بعد از تغییر جایگاه ریاست‌جمهوری به نخست‌وزیری، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ آیا مشکل اصلی کشور این است که در ساختار سیاسی موجود نخست‌وزیر وجود ندارد یا شخص رئیس‌جمهور براساس نظر مستقیم مجلس انتخاب نمی‌شود؟ کدخدایی تصریح کرده است: آنچه در کشور ایجاد مشکل می‌کند، رفتار مقامات و برخی از عناصر سیاسی است. باید این افراد برای حل مشکلات کشور، تابع الزامات قانون اساسی و قوانین دیگر و همچنین مدافع حاکمیت قانون باشند.

اکنون که اصولگرایان امکان اجماع بر یک نامزد واحد را ندارند و در رقابتی که از پیش برده خود را فرض می‌کنند، هنوز یک نامزد قدرتمند که بتواند مردم را برای حضور پای صندوق‌های رأی ترغیب کند، معرفی نکرده‌اند. اصولگرایان با صف طولانی نامزدهایی مواجه شده‌اند که اهل اجماع نیستند و همگی ادعای پیروزی در انتخابات را دارند و این‌گونه رقابت انتخابات ۱۴۰۰ درون‌گروهی خواهد بود و اختلاف‌های این جریان را بیش از گذشته نمایان خواهد کرد. ازاین‌رو برای رهایی از دردسرهای این‌چنینی صحبت از تغییر نظام ریاستی به پارلمانی است. البته برای تحقق این امر نیاز به تغییر قانون اساسی و برپایی همه‌پرسی هست که تقریبا محال است حتی اگر به دنبال این مهم هم باشند، بتوانند تا انتخابات ۱۴۰۰ کاری انجام دهند. بنابراین تلاش برای رسیدن به اجماع و ائتلاف انتخاباتی روشی ساده‌تر برای رویارویی با انتخابت ریاست‌جمهوری است و پاک‌کردن صورت‌مسئله دردی از آنها درمان نخواهد کرد.

براساس این گزارش، به‌طورکلی در نظام‌های سیاسی جهان دو نوع سیستم «ریاستی» و «پارلمانی» وجود دارد که براساس نگرشی که هریک به موضوع نحوه توزیع قدرت و تفکیک قوا دارند شکل گرفته‌اند؛ در نظام‌های ریاستی رئیس‌جمهور نقش اصلی اجرائی را بر عهده دارد و نخست‌وزیر وجود ندارد. اما در نظام‌های پارلمانی نخست‌وزیر امور اجرائی کشور را در دست دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی قبل از بازنگری ساختار نظام سیاسی در جهت اجرا بیشتر گرایش به نوع پارلمانی داشت اما بعد از بازنگری به سمت نظام ریاستی و بعد از تغییرات و حذف نخست‌وزیری بسیاری از وظایف اجرائی نخست‌وزیر را رئیس‌جمهور عهده‌دار شده و پست «معاون‌اول» رئیس‌جمهوری، به‌عنوان همکار ویژه در انجام وظایف گسترده و اختیارات سنگین ایشان است. در این شرایط سیاسی که مجلس نظارتی بر معاون‌اول ندارد و توانایی استفاده از قدرت قانونی بازخواست از رئیس‌جمهور را هم ندارد، احیای نخست‌وزیری مطرح می‌شود. طرفداران نظام پارلمانی نظارت راحت‌تر و عزل و نصب سریع نخست‌وزیر را دلیل تمایل خود معرفی می‌کنند، این در حالی است در مجلس یک‌دست خود حتی نتواستند از رئیس‌جمهور طرح سؤال کنند و استیضاح رئیس‌جمهور هم که بسیاری جزء وعده‌های انتخاباتی خود در زمان رقابت‌های مجلس مطرح کرده بودند، ناکام مانده است. بنابراین دلیلی وجود ندارد صرف اختیار انتخاب و عزل نخست‌وزیر به مجلس قدرت اداره قوه مجریه را بدهد. پارلمانی که در انجام وظایف عادی خود ضعیف عمل می‌کند، چگونه می‌خواهد در بحث نخست‌وزیری نقش قدرتمندی ایفا کند؛ بنابراین تحقق رؤیای تغییر نظام ریاستی به پارلمانی برای اصولگرایان و بهارستان‌نشینان فعلی تقریبا محال است.

در انتظار معجزه بایدن نباشیم

رمانتیسیسم علیه محاسبه‌گری

امیر پسنده‌پور
دانش‌آموخته روابط دیپلماتیک

درست در زمانی که بیشتر ناظران سرگرم تحلیل نحوه اطلاع‌رسانی چگونگی عملیات ترور اسامه بن لادن و ابوبکر بغدادی از سوی دو رئیس‌جمهور ایالات متحده بودند و در میان واژه‌ها و ادبیات استفاده‌شده از سوی اوباما و ترامپ در پی اثبات تفاوتشان و شخصیت متفاوت دو رئیس‌جمهور می‌گشتند، مهم‌ترین اصلی که فراموش شده بود، اصالت اتفاق بود؛ عملیات ترور. جدا از محکومیت تندروی و رفتارهای بنیادگرایانه رهبران گروه‌های تروریستی، اتخاذ یک تصمیم واحد در قبال یک امر (تهدید امنیت ملی آمریکا) از سوی هر دو طیف سیاسی مبین وحدت رویه در این چارچوب بود. این امر قطعا تعمیم‌پذیر به سایر موارد هم هست. تفاوت صرفا در نحوه ارائه و کاربرد کلمات است. این روزها هرچه به موعد انتخابات رئیس‌جمهوری آمریکا نزدیک‌تر می‌شویم، تنور این کارزار انتخاباتی نه‌تنها در ایالت متحده بلکه در ایران هم گرم‌تر می‌شود، تاجایی‌که برخی تحلیلگران و نخبگان در ساعات نخستین بامداد بادقت و هیجان به تماشای مناظره دو نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا مشغول می‌شوند و چنان از اثرات این انتخابات در شرایط آتی کشور صحبت می‌کنند که گویی سکان هدایت و اداره کشور در دستان رئیس‌جمهوری آینده آمریکا قرار خواهد گرفت. مسئله مهم‌تر در اینجا شرطی‌کردن یا شرطی‌شدن دوباره جامعه است. ایجاد انتظارات معجزه‌وار، سابق بر این در ماجرای برجام ضربات سنگینی به بخش اقتصادی کشور وارد کرده است. آنچه مسلم است اگر فرض را بر مطلوب برخی جریان‌ها یا افراد، مبتنی بر انتخاب بایدن قرار دهیم، باید این پرسش اساسی را یادآور شویم که طبق کدام محاسبه و تضمین باید این‌قدر خوش‌بینانه به حل مشکلات امیدوار باشیم، مگر نه آنکه مشاوران بایدن صراحتا از پیش‌شرط‌هایی مانند حضور ایران در منطقه و به‌ویژه سوریه و توسعه تسلیحاتی - موشکی به‌عنوان اصلی مهم و تغییرناپذیر در مذاکره صحبت کرده‌اند و دقیقا هر دو موضوع جزء خطوط قرمز غیرقابل مذاکره از سوی مقام معظم رهبری اعلام‌شده است. چرا به این قسمت ماجرا نگاه نکنیم که اگر با دولت دموکرات نتوانیم به نقطه‌ای از تفاهم برای معاهده جامع قابل اتکا برسیم، اروپا را هم از دست می‌دهیم. انتخاب بایدن قطعا به تنش‌زدایی بین ایالات متحده و اروپا و ترمیم شکاف‌های ایجادشده از دوره ترامپ منجر خواهد شد. اجماع اروپا و ایالات متحده در صورت آمدن بایدن به‌مراتب امکان‌پذیرتر و عواقبش برای ایران خطرناک‌تر خواهد بود. بایدن نسبت به تغییر رویکرد در تقابل تجاری - سیاسی با چین وعده‌هایی را داده که اگر در این مسیر قدم بگذارد، جمهوری خلق چین را که بزرگ‌ترین شریک تجاری جمهوری اسلامی است، قطعا به خود نزدیک‌تر خواهد کرد که این نیز در نوع خود مشکلاتی را برای ایران به وجود خواهد آورد. از سویی دیگر شکل سنتی حزب دموکرات همواره به‌دلیل مانیفست سیاسی خود نسبت به مسائل حقوق بشری حساسیت و موضع‌گیری داشته و سابق بر این نیز در همین حوزه مناقشاتی جدی با ایران داشته است. پس بعید نیست بهانه‌های حقوق‌بشری هم در صورت انتخاب بایدن به مناقشه بین ایران و آمریکا، جدی‌تر از دوره ترامپ اضافه شود. شاید حضور بایدن در کوتاه‌مدت و تنها به علت اثرات روانی ناشی از رفتن ترامپ تأثیر سطحی و گذرا در بخشی شاخص‌های اقتصادی بگذارد اما به محض جدی‌شدن موضوع مذاکره و رسیدن به شرایط آچمز، سرخوردگی و سقوطی به‌مراتب بدتر از دوره ترامپ شکل می‌گیرد. همچنین باید در نظر داشت که دولت روحانی و تیم دیپلماسی ظریف هم تا مردادماه آینده بیشتر میهمان پاستور نیستند و آنچه از شواهد و قرائن پیداست مستأجر آینده دولت به احتمال قریب‌به‌یقین نگاهی متفاوت به موضوعات بین‌المللی خواهد داشت. اگر کمی از رمانتیسیسم بکاهیم و به محاسبه‌گری بیفزاییم، شاید راحت‌تر بپذیریم که رئیس‌جمهوری ایالات متحده در ساختار کلی سیاسی آن کشور مسئولیت حفظ منافع کشور مطبوع خود را دارد و هیچ تعهدی برای حل مشکلات داخلی سایر کشورها برای خود متصور نیست. این رویکرد در اظهارنظر پوتین در سخنرانی اخیرش در تلویزیون دولتی روسیه کاملا قابل رؤیت بود که حساب صحبت‌ها و وعده‌های کارزارهای انتخاباتی را از اصل و سیاست رسمی آمریکا متفاوت می‌داند؛ چراکه در واکنش به اظهارات ضد روسی بایدن گفته بود ما به لفاظی انتخاباتی دموکرات‌ها عادت داریم و درعین‌حال نیز به امکان همکاری با بایدن خوش‌بین هستم!

نکته دیگر اینکه در دکترین سیاست خارجی آمریکا در حوزه خاورمیانه یک اصل ثابت و همیشگی به نام حفظ امنیت اسرائیل وجود دارد. وقتی ما به دو پیش‌شرط تبیین‌شده بایدن برای بازگشت به برجام، نگاه می‌کنیم (خروج از منطقه به‌ویژه سوریه و توقف توسعه موشکی)، این یعنی الصاق به همین سیاست تعیین‌شده. دموکرات‌ها به شکل سنتی بسیار به حفظ منافع اسرائیل در منطقه مؤمن بوده‌اند. اگر در این میان فکر می‌کنیم سیاست‌های حمایتی ترامپ در ارتباط با اسرائیل در این چهار سال نمود بیشتری داشته، باید گفت که اینها بیشتر تاکتیکی بوده تا استراتژیک یا به عبارتی مانند رفتار و شخصیت خود ترامپ شوآف بیشتری داشته است، همین. بر این مبنا باید گفت هیچ‌وقت در کارزارهای انتخاباتی دموکرات‌ها فردی مانند سندرز که انتقادهای اساسی به اسرائیل دارد، شانسی برای برنده‌شدن پیدا نمی‌کند. همه اینها نشان می‌دهد که سیاست‌های کلی آمریکا در منطقه با رفتن یک جمهوری‌خواه یا آمدن یک دموکرات تغییری نخواهد کرد.

یاد

حسن روحانی:

رفع موانع در روابط تجاری با همسایگان در اولویت باشد

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت با اشاره به اهمیت راهبردی روابط با کشورهای همسایه گفت: با تشکیل هر چه سریع‌تر کارگروه و کمیته‌ای متشکل از دستگاه‌های مرتبط با حوزه مراودات تجاری با همسایگان، به‌صورت منسجم و یکپارچه در جهت رفع مشکلات در این حوزه اقدام شود تا سطح تبادلات تجاری به سطح مطلوب ارتقا یابد.

حسن روحانی تأکید کرد که دستگاه‌های مسئول موظف‌اند رفع موانع اداری در روابط تجاری و اقتصادی با همسایگان را در اولویت کاری خود قرار دهند و هر گونه ناهماهنگی در رویه‌های اداری را برطرف کنند.

او با بیان اینکه در شرایطی که سخت‌ترین تحریم‌ها به کشور تحمیل شده، سعی شده ظرفیت‌های صادرات غیرنفتی ارتقا یابد، عنوان کرد: گمرک مکلف است ارزش محصولات صادراتی شرکت‌های پتروشیمی را بر مبنای ارزش پایه صادراتی متناظر اعلامی که به‌صورت هفتگی توسط شرکت ملی صنایع پتروشیمی اعلام می‌شود، محاسبه کند. در این راستا به‌منظور ایجاد مدیریت واحد در راستای انسجام‌بخشی به امور پایانه‌های مرزی کشور مدیریت این پایانه‌ها، همچون پایانه‌های هوایی و دریایی به وزارت راه‌وشهرسازی محول شد. روحانی با تأکید بر تأمین نیازها و کمبودهای فنی و اداری در این زمینه افزود: وزارت اقتصاد مکلف است با تسریع در رفع نیازها و تأمین تجهیزات گمرکی در گمرکات مرزی امکان ترخیص هر چه سریع‌تر کالاها را فراهم کند.

پیام تسلیت پسر احمد شاه مسعود به مناسبت درگذشت شجریان

● **شرق:** احمد مسعود، فرزند احمد شاه مسعود (از فرماندهان نظامی افغانستان) در پیامی درگذشت محمدرضا شجریان را تسلیت گفت.

در این پیام آمده است: «با اندوه و درد آگاهی یافتم که استاد محمدرضا شجریان، آوازخوان نامدار ایرانی و یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های فرهنگی ایران‌زمین، چشم از جهان فروبست و با هفت‌هزار سالگان سربه‌سر شد. استاد شجریان با آنکه از نظر تبار ایرانی بود اما در عمل راوی فرهنگ و هنری بود که به همان اندازه که طعم نیشابور و مشهد را داشت، بوی بلخ و بخارا را نیز می‌داد. او در درازای عمر پربارش هویت و عظمت تاریخ مشترک حوزه تمدنی ما را با صدا و هنرش آیینه‌داری کرد. استاد شجریان به‌خوبی توانست میراث عظیم فرهنگی ما را با صدا و موسیقی جان‌پرورش از فراموش‌شدن رهایی بخشد و چندین نسل را با اشعار حافظ و سعدی و مولانا و خیام و عراقی دمساز سازد. بدون شک این کار با توجه به اینکه جریان‌هایی نیرومند سرگرم جداساختن جوانان ما از میراث فکری و فرهنگی کهن ما هستند و دشمنانی پرشمار و قوی در کمین نشسته‌اند تا به این میراث سترگ بشری آسیب برسانند، ارزشی مضاعف می‌یابد. بدون شک نام استاد شجریان به‌عنوان هنرمندی مبتکر و خلاق در یاد و خاطره ادب و هنر این حوزه تمدنی درخشان و پرابهت باقی خواهد ماند. این‌جانب ضمن عرض تسلیت به خانواده استاد شجریان و مردم هنردوست ایران و نیز مردمان حوزه مشترک فرهنگی، روان آن بزرگمرد هنر را شاد و یادش را جاودانه می‌خواهم».

خبر

تسلیت آیت‌الله بیات‌زنجانی در پی درگذشت استاد شجریان

● **خبرآنلاین:** حساب توییتری آیت‌الله اسدالله بیات‌زنجانی پیام تسلیت این مرجع تقلید را به مناسبت درگذشت استاد محمدرضا شجریان منتشر کرد. در این پیام آمده است: «درگذشت فرهیخته آزاده و هنرمند خوش‌الحان جناب آقای محمدرضا شجریان را به اعضای خانواده، فرزندان محترم و دوستان و دوستداران ایشان تسلیت عرض می‌کنم. این‌جانب نه‌تنها هیچ کراهتی بر میراث گران‌قدر این استاد ذوفنون ندیدم بلکه آن را عاملی برای توجه به مبدأ عالم، جذبه ملیح و عارفانه به سمت ارزش‌های والای انسانی و اسلامی و رونقی برای زبان و ادب فارسی یافتم. خداوند ایشان را رحمت کند که با مجاهدت هنری خود عملا نشان داد که احکام آلات مشترکه، موکول به منافع آنهاست و به سهم خود به تدقیق و تنقیح مؤثر در احکام این عرصه کمک زیادی کرد».

ادامه از صفحه ۲

در مسیر قم

دیداری که برای دولت ایران اتفاق مهمی محسوب می‌شد و بازتاب زیادی نیز در رسانه‌ها پیدا کرد. بعد از این ملاقات سایت رسمی این مرجع نوشت حسن روحانی گوشه‌ای از نتایج مذاکرات خود با مسئولان عراقی را برای ایشان تشریح کرده و آیت‌الله سیستانی نیز از هرگونه اقدامی در راستای تقویت روابط عراق با همسایگان خود براساس منافع طرفین و احترام به حاکمیت کشورها و عدم دخالت در امور داخلی آنها استقبال کردند. حسن روحانی همچنین در نجف اشرف با آیت‌الله‌العظمی بشیر نجفی، آیت‌الله‌العظمی محمداسحاق فیاض و حضرت آیت‌الله محمدسعید حکیم، از مراجع عظام تقلید این شهر، دیدار و گفت‌وگو کرده بود.

سال گفت‌وگوهای تلفنی
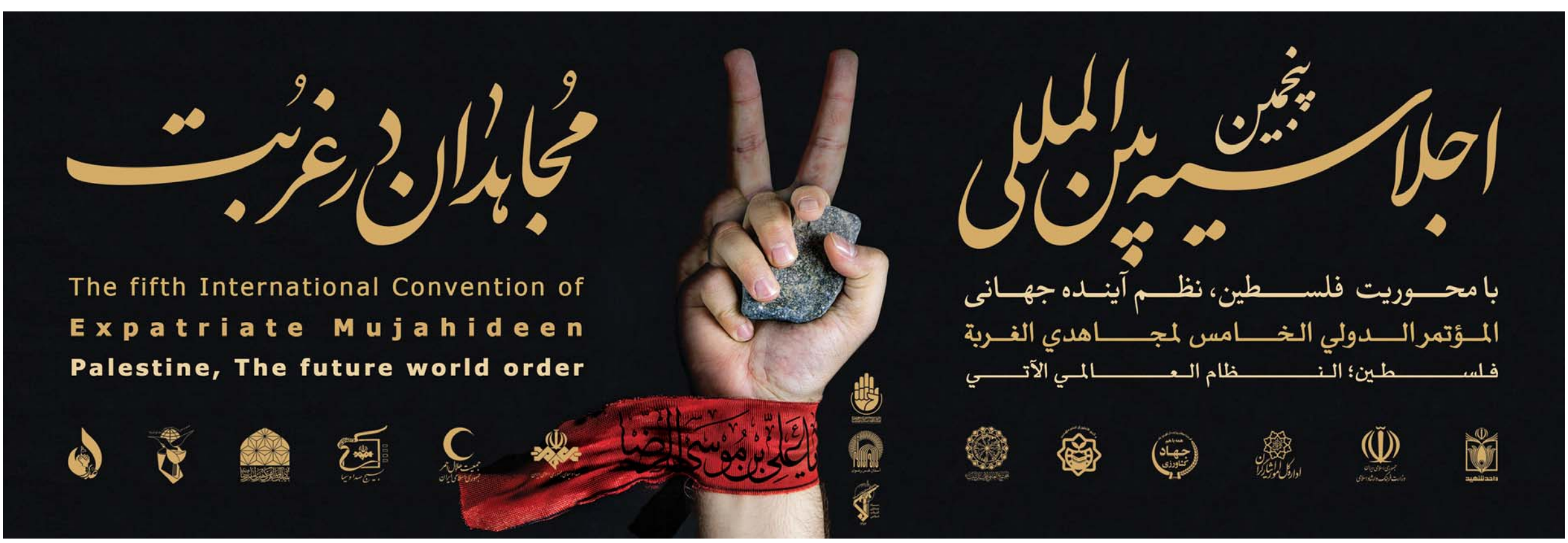
فروردین امسال، اوضاع به‌گونه‌ای بود که شیوع ویروس کرونا، همه را خانه‌نشین کرده بود. حسن روحانی نیز در اولین روز سال جدید در تماس تلفنی با مراجع تقلید، هم عید را به آنان تبریک گفت و هم از آنان به‌خاطر حمایت و توجه به برنامه‌های دولت تشکر کرد. او با آیت‌الله صافی‌گلپایگانی، آیت‌الله وحیدخراسانی، آیت‌الله شبیری‌زنجانی، آیت‌الله مکارم‌شیرازی، آیت‌الله جوادی‌آملی، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله نوری‌همدانی، آیت‌الله علوی‌گرگانی و آیت‌الله مظاهری به‌صورت جداگانه گفت‌وگو و ابراز امیدواری کرده بود در سایه حمایت‌ها و کمک مراجع و همدلی قوا از مشکلات از جمله کرونا عبور کنیم. پنج ماه بعد، در روز عید غدیر رئیس‌جمهور دست به تلفن شد و با حضرات آیات صافی‌گلپایگانی، وحیدخراسانی، مکارم‌شیرازی، شبیری‌زنجانی، جوادی‌آملی، سبحانی، نوری‌همدانی، علوی‌گرگانی و مظاهری، گفت‌وگو کرد و ضمن تبریک عید، از توجه آنان به دولت تشکر کرد. روحانی دوباره مانند تماس روز اول عید، ابراز امیدواری کرده بود در سایه حمایت‌ها و کمک مراجع از مشکلات کنونی عبور کنیم. معاون اول رئیس‌جمهور نیز شنبه‌شب در تماس تلفنی با مراجع تقلید قم با آنان گفت‌وگو کرد. جهانگیری پیش‌تر در بهمن سال ۹۴ به قم رفته و با آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی، آیت‌الله صافی‌گلپایگانی و آیت‌الله موسوی‌اردبیلی دیدار و گفت‌وگو کرده بود. او یک بار دیگر در مهر سال گذشته قصد سفر به قم را داشت تا در دیدار با مراجع عظام تقلید و علما آنان را در جریان اقدامات و برنامه‌های دولت قرار دهد که سفر لغو شد و دیدارها انجام نشد. جهانگیری در عید نوروز امسال نیز قصد داشت به چند شهر از جمله قم برود که به‌دلیل گسترش کرونا، این سفرها انجام نشد.